



به جای تنبيه

به خود و دیگران است. بقیه دانش آموزان در مقابل تنبیه، آشکارا یا پنهانی بنای سرپیچی و نافرمانی می‌گذارند. در هر دو صورت، تنبیه به جای پرورش جایگاه کنترل درونی مبتنی بر خودانضباطی و جامعه‌گرایی، جایگاه کنترل بیرونی را پرورش می‌دهد. البته وقتی معلمان از تأثیرات طولانی‌مدت تنبیه روی دانش آموزان آگاه می‌شوند، به‌طور طبیعی تمایل پیدا می‌کنند روش‌های محترمانه‌تری را برای برانگیختن دانش آموزان به رفتار بهتر بیاموزند. معلمان باید برای حذف تحقیر و تنبیه اولین قدم را بردارند تا محیطی حمایت‌گر، احترام‌برانگیز و مشوق یادگیری بیافرینند. آن‌ها می‌توانند با آموزش مهارت‌هایی برای پیدا کردن راه‌حل‌های غیرتنبیهی، کودکان را به راه درست هدایت کنند. برای این کار لازم است در یک نشست

در مقابل هم‌کلاسی‌ها، اخراج موقت از کلاس و تعلیق. نیست اکثر معلمان به هنگام تنبیه خیر است. نظر تربیتی آن‌ها این است که تنبیه بهترین راه برای تشویق دانش آموزان به انجام رفتار مناسب است. اگر بد رفتاری برای مدت کوتاهی، به دلیل تنبیه، متوقف شود، معلم ممکن است به اشتباه فکر کند حق با او بوده است. این در حالی است که نتایج طولانی‌مدت تنبیه عبارت‌اند از: سرپیچی یا اطاعت. اطاعت ممکن است خوب به نظر برسد، اما نه هنگامی که بهای آن کم شدن عزت نفس و اعتماد به نفس یا پیروی کورکورانه باشد. برخی از دانش آموزان وقتی تنبیه می‌شوند، اطاعت می‌کنند. اما این رفتار غالباً از این ترس ناشی می‌شود که مبادا دوباره به دردسر بیفتند، نه از سر رغبت به همکاری که نتیجه آن احترام

هر شکلی از تنبیه، هم غیرمحترمانه است و هم دلسردکننده. تنبیه بر چند پیش‌فرض غلط استوار است:

۱. برای اینکه بچه‌ها را وادار کنیم «عملکرد» بهتری داشته باشند، نخست باید آن‌ها را وادار کنیم «احساسی» بدتر را تجربه کنند.
۲. اینکه بچه‌ها توان کاری را که کرده‌اند، پس بدهند، مهم‌تر از آن است که از آن درس بگیرند.
۳. بچه‌ها با کنترل و تهدید بهتر یاد می‌گیرند تا با بررسی نتایج انتخاب‌هایشان در یک محیط حمایت‌کننده.

صورت‌های معمول تنبیه در مدرسه‌های ما عبارت‌اند از: فرستادن دانش آموز به دفتر مدیر (یا ناظم) مدرسه، تماس با منزل و احضار ولی، چسباندن اسم بچه‌ها روی تخته، تحقیر و تهدید و سرزنش دانش آموزان

کلاسی توضیح دهند که از این پس، به جای استفاده از تنبیه، به دنبال پیدا کردن راه حل خواهند بود.

اکثر معلمان و دانش آموزان از مفهوم پیامدهای منطقی سوء استفاده می کنند. آن ها می کوشند با تغییر نام تنبیه، آن را پیامد منطقی جلوه دهند. مفهوم پیامد منطقی این است که هر عملی که از انسان سر می زند، به طور منطقی پیامدی دارد که مسئولیتش به عهده فاعل آن است. مثلاً پیامد منطقی انجام ندادن تکلیف، نگرفتن نمره مربوط به انجام تکلیف است، یا پیامد منطقی خط خطی کردن دیوار کلاس، تمیز کردن دیوار خط خطی شده است. پیامدهای منطقی، در صورت کاربرد صحیح، می توانند مسئولیت پذیری را به بهترین شکل به بچه ها آموزش دهند و با حفظ متانت و احترام، آن ها را با واقعیت های زندگی آشنا سازند. در یک نشست کلاسی، از دانش آموزان پایه پنجم خواسته شد پیامدهای منطقی را برای دو دانش آموزی که صدای زنگ کلاس را نشنیدند و دیر به کلاس آمدند با بارش فکری معین کنند. در زیر نظرات آن ها را مشاهده می کنید:

✓ اسم آن ها را روی تخته بنویسیم.
✓ وادارشان کنیم به همان میزان که دیر به کلاس آمده اند، بعد از کلاس در مدرسه بمانند.

✓ همان میزان زمانی را که امروز تأخیر داشتند، از زمان زنگ تفریح فردایشان کم کنیم.

✓ آن ها را از زنگ تفریح های فردا محروم کنیم.

✓ سرشان فریاد بکشیم تا بفهمند اشتباه کرده اند.

سپس از دانش آموزان خواسته شد پیامدها را فراموش کنند و راه حل هایی را پیدا کنند که به دانش آموزان کمک کند سر موقع به کلاس بیایند. در زیر فهرست راه حل ها را ببینید:

✓ می شود همه با هم فریاد بزنند: «زنگ!»

✓ می توانند نزدیک زنگ بازی کنند تا صدای آن را بشنوند.

✓ دیگران را نگاه کنند و مراقب باشند آن ها چه زمانی به کلاس می روند.

✓ صدای زنگ بلندتر شود.

✓ یک نفر را مأمور کنند تا به آن ها یادآور شود وقت برگشتن به کلاس است.

✓ وقتی زنگ به صدا در می آید، یک نفر بزند روی شانه آن ها.

این دو فهرست، زمین تا آسمان با هم متفاوت اند. اولی تنبیهی است، روی گذشته تأکید می کند و به دنبال این است که بچه ها تاوان اشتباهاتشان را بپردازند. دومی راه حل مدار است و تکیه اش روی کمک کردن به بچه ها است تا بتوانند در آینده عملکرد بهتری داشته باشند. به بیان دیگر، فهرست اول برای آزردن و فهرست دوم برای کمک کردن تهیه شده است. بر این موضوع تأکید می شود که مشکلات را به عنوان فرصت هایی برای یادگیری در نظر بگیریم.

گام دوم در آموزش، استفاده از قدرت دانش آموزان برای آموزش «راه حل های چهار میم» به شیوه های مثبت است.

← آموزش راه حل های چهار میم»

فعالیت ۱. از کلاس بخواهید روی مسئله فرضی دانش آموزی کار کنند که روی میز می نوشت. روی تخته کلاس، پنج پیشنهاد زیر را برای حل کردن این مشکل فهرست کنید:

۱. او را وادار کنیم یک هفته روی زمین بنشیند

۲. او را مجبور کنیم تمام میزهای کلاس را تمیز کند.

۳. او را وادار کنیم در حضور دیگران میز خود را تمیز کند.

۴. از او بخواهیم معذرت خواهی کند.

۵. از او بپرسیم دوست دارد میزش را الان تمیز کند یا موقع رفتن به خانه.

حالا راه حل های چهار میم را برای دانش آموزان توضیح دهید:

۱. مرتبط

۲. محترمانه

۳. منطقی

۴. مشخص (معلوم شده از پیش)

● «مرتبط» به این معناست که راه حل ها به طور مستقیم با رفتار ارتباط دارند. مثلاً وقتی دانش آموزان تکالیفشان را انجام نمی دهند، فرستادن آن ها به دفتر، به تکلیف فراموش شده ربط ندارد.

راه حل مرتبط در این باره می تواند جبران تکلیف یا نگرفتن امتیازات مربوط به آن باشد.

● «محترمانه» به این معناست که معلمان و دانش آموزان، احترام را در رفتار و لحن گفتارشان حفظ کنند. همچنین، به معنی تبعیت از راه حل ها همراه با متانت و احترام است. «مایلی تکالیف را زنگ نهار انجام دهی یا بعد از مدرسه بمانی و تمامشان کنی». در واقع، پیامد نباید شامل سرزنش و سرکوفت، شرمساری و درد باشد و باید با قاطعیت و مهربانی اجرا شود.

● «منطقی» به معنای اضافه نکردن تنبیه است. مثلاً «حالا تو باید دوباره تکلیف انجام دهی». به عبارت دیگر، پیامد باید بدون محکم کاری باشد.

● «مشخص» یعنی اینکه به کودک اجازه بدهیم از قبل بدانند اگر او رفتار خاصی را اتخاذ کند، چه اتفاقی خواهد افتاد (یا شما چه کار خواهید کرد). به عبارت دیگر، دانش آموزان پیشاپیش می دانند اگر تکالیفشان را انجام ندهند، یا باید آن را جبران کنند یا این خطر را بپذیرند که نمره کمی بگیرند. برای اینکه مطلب را برای دانش آموزان روشن کنید، از آن ها بپرسید «آیا به نظرتان محترمانه است شما به خاطر چیزی که از آن اطلاع نداشته اید، تنبیه شوید؟ مثلاً فرض کنید معلم در نظر داشته باشد هر کسی را که روی صندلی آبی بنشیند، اخراج کند، ولی درباره تصمیمش به کسی چیزی نگوید.»

به سراغ پنج پیشنهادی که روی تخته نوشته اید، بروید. در مورد پیشنهاد رأی گیری کنید که آیا مربوط، محترمانه، منطقی و مشخص هست یا نه. پیشنهادهایی را که در قالب چهار میم نمی گنجند، خط بزنید. خاطر نشان کنید پیشنهادی که هر چهار میم را داشته باشد، احتمالاً جایگزین خوبی برای تنبیه است. معلمان بسیاری هستند که از ابزار پیامدهای منطقی دست کشیده اند و به راه حل های چهار میم روی آورده اند. وقتی دانش آموزان برای رسیدن به راه حل های یک مشکل بارش فکری داشتند، حتماً باید به دانش آموز اجازه داده شود از بین

آن‌ها یکی را که فکر می‌کند بیش از همه سودمند است، انتخاب کند. این کار فضای امنی را برای شکوفایی مسئولیت‌پذیری تضمین می‌کند.

وقتی کودکی می‌ززش را خط‌خطی می‌کند، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که پیامد مرتبط این است که کودک را واداریم می‌ززش را تمیز کند. اما اگر میم‌های دیگر غایب باشند، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر برخورد معلم محترمانه نباشد دیگر این پیامد یک پیامد منطقی نیست.

معلم در مقابل سایر دانش‌آموزان کلاس به علی می‌گوید: «علی، من تعجب می‌کنم وقتی می‌بینم تسو داری چنین کار زشتی می‌کنی. همین الان آن میز را تمیز کن، وگرنه به پدر و مادرت خواهیم گفت که تو چه کارهایی می‌کنی» و بعد تصور می‌کند که دارد از پیامد منطقی استفاده می‌کند. در این مثال، احترام حذف شده و معلم با تحقیر و تهدید، به دنبال محکم‌کاری است. روش پیامدهای منطقی، در صورتی که رابطه خوبی بین کودک و معلم وجود داشته باشد، مؤثر واقع می‌شود و در تعارض قدرت، به تنبیه تبدیل می‌شود.

← چه زمانی استفاده از پیامد منطقی مناسب است؟

اگر دیدیم برای پیدا کردن یک پیامد منطقی به تکاپو افتاده‌ایم، سرخ اینجاست که شاید به جای راه‌حل، به دنبال تنبیه می‌گردیم.

بعضی از مواردی که باید از پیامد منطقی استفاده کنید، عبارت‌اند از: الف. جایی که موضوع ایمنی و خطر در بین باشد.

ب. وقتی کودک از قدرت یا انتقام استفاده می‌کند یا تظاهر به بی‌کفایتی می‌کند. هنگامی که کودک در جست‌وجوی قدرت یا انتقام است، آن قدر سرگرم به رخ کشیدن برتری خود یا گرفتن انتقام از بزرگ‌سال است که معمولاً برایش مهم نیست نتیجه اعمالش چیست.

در اینجا لازم می‌دانم به اهداف بدرفتاری کودکان اشاره کنم:

کودکان برای بدرفتاری‌های خود در خانه و مدرسه ممکن است چهار هدف داشته باشند که برای هر کدام باورهای نادرستی دارند:

۱. **جلب توجه بیجا:** من تنها زمانی احساس تعلق و ارزشمندی می‌کنم که توجه کامل تو را داشته باشم.

۲. **قدرت‌طلبی بیجا:** من فقط زمانی احساس تعلق و ارزشمندی می‌کنم که حرف من باشد یا اگر هم این‌طور نشد، نگذارم که حرف تو باشد.

۳. **انتقام‌جویی:** درست است که احساس تعلق و ارزشمندی نمی‌کنم، اما دست کم من هم می‌توانم اذیتشان کنم.

۴. **تظاهر به بی‌کفایتی:** غیرممکن است بتوانم احساس تعلق و ارزشمندی کنم، پس بهتر است تسلیم شوم.

پیامدهای منطقی برای هدف جلب توجه کاربرد بهتری دارند. بنابراین، برای استفاده مناسب از پیامدهای منطقی، لازم است هدف کودک از رفتارش را درک کنید.

اشتباه است اگر فکر کنید برای هر رفتار یا حل هر مشکل باید پیامدی منطقی وجود داشته باشد. روی پیامدها کمتر تمرکز کنید و بیشتر به حل مسئله بپردازید. تمرکز بر حل مسئله به شما کمک می‌کند از ذهنیت تنبیهی و تلافی‌جویانه رهایی یابید.

← رابطه فرصت مسئولیت پیامد را برقرار کنید.

هر فرصتی یک مسئولیت مربوط به خود دارد. پیامد آشکار نپذیرفتن مسئولیت، از دست دادن فرصت است. برای مثال، بچه‌ها در طول زنگ تفریح فرصت دارند از زمین بازی استفاده کنند. مسئولیت مربوط به آن، استفاده درست از وسایل و رفتار محترمانه با دیگر افراد است. وقتی با وسایل و افراد غیرمسئولانه برخورد شود، پیامد منطقی، از دست دادن فرصت استفاده از زمین بازی به‌صورت موقت است. برای اینکه حس مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و توانمندی را به دانش‌آموزی که غیرمحترمانه عمل می‌کند تلقین

کنید، بگویید «فکر کن چقدر وقت لازم داری تا آرام شوی. وقتی آماده شدی، از زمین بازی محترمانه استفاده کنی، به من خبر بده». پیامدها تنها هنگامی مؤثرند که محترمانه اجرا شوند و به محض اینکه دانش‌آموز برای پذیرش مسئولیت آماده شد، به او فرصت دیگری داده شود.

با وجود تمام این رهنمودها، مهم است به یاد داشته باشیم که پیامدهای منطقی به ندرت ضروری‌اند و تنها یک راه‌حل احتمالی هستند. در بیشتر موقعیت‌ها، جست‌وجوی راه‌حل مؤثرتر است. این بدان معنا نیست که دانش‌آموزان نباید درباره پیامدهای منطقی چیزی فرا بگیرند. ولی وقتی پیامدهای منطقی در چارچوب مسئولیت‌پذیری فردی آموزش داده شوند، به نحو مناسب‌تری درک می‌شوند. معلم‌ان غالباً مخالفت می‌کنند، اما دانش‌آموزان باید پیامدهای انتخاب‌هایشان را در زندگی واقعی تجربه کنند. مثلاً اگر با سرعت رانندگی کنند، ممکن است جریمه شوند یا اگر دزدی کنند، شاید به زندان بیفتند.

برای همین است که باید به دانش‌آموزان کمک کنیم پیامد انتخاب‌هایشان را براساس یک مبنای مسئولیت‌پذیری فردی و مهارت قضاوت درست درک کنند. در محیط تنبیه‌گرا، آن‌ها نه مسئولیت‌پذیری را فرا می‌گیرند، نه مهارت‌های قضاوت را. جریمه و زندان تنبیه هستند، چیزی که ما می‌خواهیم این است که به دانش‌آموزان کمک کنیم از آن اجتناب کنند. ■

منابع:

۱. جین نلسن، لین لات، اچ. استیفن گلن (۲۰۰۰). تربیت سالم در مدرسه. ترجمه محمدجواد فرشچی و ریحانه ایزدی (۱۳۸۷). سازوکار. تهران.
۲. جین نلسن (۲۰۰۶). تربیت سالم در خانه. ترجمه محمدجواد فرشچی و ریحانه ایزدی (۱۳۹۶). سازوکار. تهران.
۳. رودولف درایکورس؛ پرل کاسل (۱۹۷۲). انضباط بدون اشک. ترجمه مینو وانقی و مریم داداش‌زاده (۱۳۹۲). رشد. تهران.
۴. رودولف درایکورس (۱۹۱۴). فنون مدیریت کلاس. حمید علیزاده و علیرضا روحی (۱۳۸۸). دانژه. تهران.